آب را گل نکنیم

آب را گل نکنیم شاید این آب روان
آب را گل نکنیم
در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب
یا که در بیشه دور، سیره‌یی پر می‌شوید.
یا در آبادی، کوزه‌یی پر می‌گردد.
آب را گل نکنیم:
شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی.
دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب.
زن زیبایی آمد لب رود،
آب را گل نکنیم:
روی زیبا دو برابر شده است.
چه گوارا این آب!
چه زلال این رود!
مردم بالادست، چه صفایی دارند!
چشمه‌هاشان جوشان، گاوهاشان شیرافشان باد!
من ندیدم دهشان،
بی‌گمان پای چپرهاشان جا پای خداست.
ماهتاب آن‌جا، می‌کند روشن پهنای کلام.
بی‌گمان در ده بالادست، چینه‌ها کوتاه است.
مردمش می‌دانند، که شقایق چه گلی است.
بی‌گمان آن‌جا آبی، آبی است.
غنچه‌یی می‌شکفد، اهل ده باخبرند.
چه دهی باید باشد!
کوچه باغش پر موسیقی باد!
مردمان سر رود، آب را می‌فهمند.
گل نکردندش، ما نیز
آب را گل نکنیم.

معنای شعر آب را گل نکنیم آب را گل نکنیم : در فرودست انگار ، کفتری می خورد آب یا که در بیشه ی دور ، سیره ای پر می شوید یا که در آبادی ، کوزه ای پر می گردد . آب را به هیچ عنوان آلوده و گل الود نکنیم زیرا ممکن است در پایین دست کبوتری مشغول نوشیدن آب باشد و یا در پایین دست پرنده ای ، پر های خود را در آب شستشو دهد . شاید در ابادی پایین این آب ، کسی کوزه ی آب آشامینی خود را پر کند . آب را گل نکنیم : شاید این آب روان می رود پای سپیداری تا فرو شوید اندوه دلی دست درویشی نان خشکیده فرو برده در آب . این چند جمله ، زیبا ترین جملات این قطعه هستند .او می گوید : آب را نباید گل آلود کرد .(تکرار این بند نیز بیانگر اهمّیت موضوع می باشد .) زیرا ممکن است این آب زلال و درحال حرکت به پای سپیداری برود تا زلالی آن ، اندوه دلی را از بین ببرد . در این نهر روان ممکن است درویشی نان خشکیده ای در آب فرو برده باشد تا آن را برای خوردن آماده نماید و بی انصافی است اگر آب را در این لحظه گل الود نماییم ، چون از این آب مردم ارتزاق می کند . (آب نماینده ی نور و شفافیت است) زن زیبایی آمد لب رود آب را گل نکنیم : روی زیبا دو برابر شده است . آب زلال مانند اینه است .اکنون آب را گل نکنیم تا تصاویر زیبا دو چندان شود . چه گوارا این اب ! چه زلال این رود ! مردم بالا دست چه صفایی دارند ! چشمه هایشان جوشان گاوهاشان شیر افشان باد ! این آب چه گوارا و زلالی است . گویی این زلالی از صفای مردم بالا دست ، سرچشمه گرفته است و این مردم عجب با صفا هستند ! امید آن دارم که همواره چشمه های آب ان ها جوشند ه و گاوهایشان همیشه شیر ده و پر بار باشند ، برای این مردم چیزی برتر از این نیست .این دعا بهترین خواسته برای مردم بالا دست می باشد . من ندیدم دهشان . سهراب سپهری مدعّی است که تا هنگام سرودن این شعر،ده مردم بالا دست وآبادی آن ها را ندیده است زیرا بسیار فراتر از آبادی های دیگر است و در آن جا هر چیزی به سوی خدا گرایش پیدا می کند . بی گمان جای چپر هاشان جا پای خداست . چپر، جایگاه تابستانی است که از چوب وعلف و شاخه های درخت می سازند.در پاره ای از مراکز ایران در زیر این چپر ها تابستان ها را سر می کنند . شاعر مدعّی است که در کنار این چپر ها ؛ نشانه ای از خدا را دیده است . این تعبیر ؛ تقدس روستا و آبادی درنظر شاعر است . ماهتاب ان جا می کند روشن پهنای کلام . پهنای کلام ؛ همان وسعت بی واژه ای است که شاعر روزی به آن سفر می کند . در آن جا هیچ چیز محدود نیست بلکه گسترده است . سخن انسان به انتها ختم نمی شود . و انسان نور خدا را می بیند . او می گوید : نور ماه در شب های آبادی ، کلام انسان را روشن می کند و تاریکی را درون کلام انسان از بین می برد . به تعبیر دیگر ؛ سپهری معتقد است در آن جا هیچ گونه گمراهی و ظلمت وجود ندارد و هر چه هست نور است و هدایت . گفتارشان چون نور درخشنده است . بی گمان در ده بالا دست چینه ها کوتاه است . دراین جمله ؛ شاعر به نبود فاصله ها در ده بالا دست اشاره می کند و مدعّی است که هیچ گونه دیوار و حجابی در آن محل وجودندارد . او می گوید : بدون شک در ده بالا دست ؛ فاصله و دیواری وجود ندارد و آن جا هر چیزی بدون فاصله است . چینه ، دیوار گلی است که از خشت گل ساخته می شود و بیشتر در روستا ها از استفاده می کنند . در نظر شاعر ، چینه ، حجاب نازک و فاصله ی محدود است .

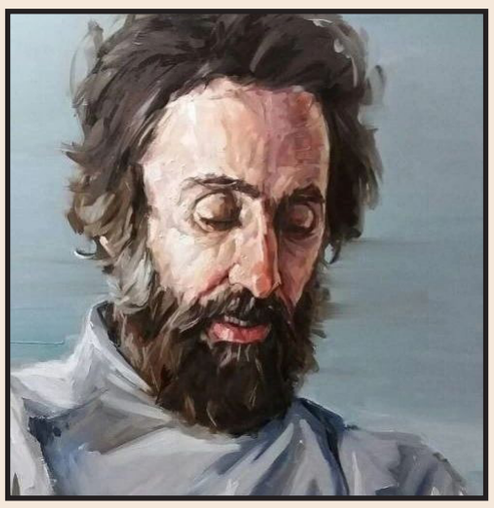

مردمش می دانند که شقایق چه گلی است . شقایق استعاره از طبیعت و تمام گیاهان و گل های سبز است . او می گوید : مردم آبادی بالا دست طبیعت را می شناسند و به فلسفه ی گل ها پی برند . آن ها گل ها را خوب می شناسند و می دانند که فلسفه ی وجودی هر گل چیست . بی گمان آن جا آبی ، آبی است . آبی . رنگ عرفانی و سمبل جهان لا یتناهی است . آبی رنگ آرامش است . آبی رنگ ژوپیتر خدای سیّاره ی مشتری است . درنظر سهراب سپهری ده بالا دست آبی رنگ است و این تجلّی برای شاعر بسیار ارزشمنداست . رنگ آبی در ده بالا دست تمام نمود خود را دارد . غنچه ای می شکفد اهل ده باخبر هستند . اهل آبادی از کوچک ترین اتفاقی که روی می دهد ، با اطلاع هستند حتّی این اتفاق شکفته شدن یک غنچه باشد ، زیرا برای آن ها اهمیت دارد . چه دهی بایدباشد ! عجب ده باشکوهی باید باشد ! این ده در نظر سپهری فراتر از یک روستای عادی است . این روستا برای او یک آرمان شهر یا نا کجاباد یا همان مدینه ی فاضله ای است که فارابی (معلّم ثانی) ، نظامی (در اسکندر نامه) و سعدی (دربوستان) ترسیم کرده اند و ویژگی های آن را برشمردند . کوچه باغش پر موسیقی باد ! این روستا همیشه برقرار و پاینده باشد و در کوچه های آن . زمزمه های شادی و طرب به گوش برسد امیدوارم این روستا پر از شادی باشد زیرا مردم آن آرمان گرایانه زندگی می کنند . مردمان سر رود آب را می فهمند . گل نکردندش ، ما نیز آب را گل نکنیم .

انسان هایی که از آب این رود زلال بهره می برند واستفاده می کنند حقیقت آب را می فهمند و درک می کنند . آن ها این آب را آلوده نمی کنند (قدر آب را می دانند) ما نیز به تبعّیت از آن ها آب را گل آلود نکنیم زیرا کار نکوهیده و گناه

شاملو و عاشقانه‌ای در سال بد

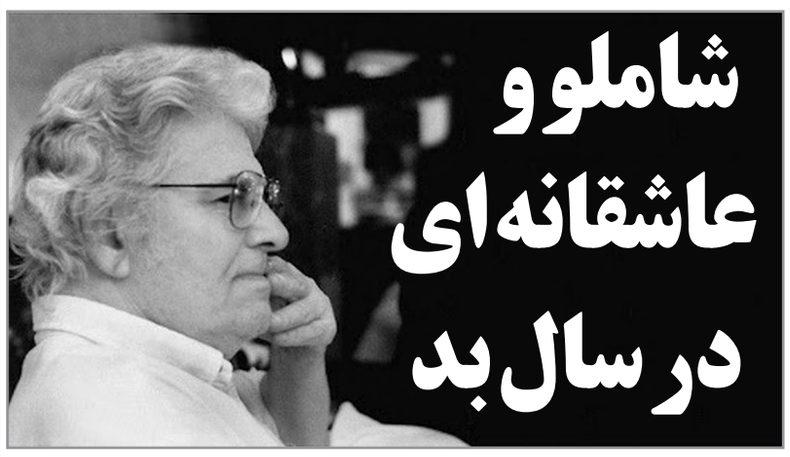

سالِ بد
سالِ باد
سالِ اشک
سالِ شک.
سالِ روزهای دراز و استقامت‌های کم
سالی که غرور گدایی کرد.
سالِ پست
سالِ درد
سالِ عزا
سالِ اشک پوری
سالِ خونِ مرتضا
سالِ کبیسه
زندگی دام نیست
عشق دام نیست
حتا مرگ دام نیست
چرا که یارانِ گمشده آزادند
آزاد و پاک...
من عشقم را در سالِ بد یافتم
که می‌گوید «مأیوس نباش»؟
من امیدم را در یأس یافتم
مهتابم را در شب
عشقم را در سالِ بد یافتم
و هنگامی که داشتم خاکستر می‌شدم
گُر گرفتم.
زندگی با من کینه داشت
من به زندگی لبخند زدم،
خاک با من دشمن بود
من بر خاک خفتم،
چرا که زندگی، سیاهی نیست
چرا که خاک، خوب است.
من بد بودم اما بدی نبودم
از بدی گریختم
و دنیا مرا نفرین کرد
و سالِ بد دررسید:
سالِ اشکِ پوری، سالِ خونِ مرتضا
سالِ تاریکی.
و من ستاره‌ام را یافتم من
خوبی را یافتم
به خوبی رسیدم
و شکوفه کردم.
تو خوبی
و این همه‌ی اعتراف‌هاست.
من راست گفته‌ام و گریسته‌ام
و این بار راست می‌گویم تا بخندم
زیرا آخرین اشکِ من
نخستین لبخندم بود.
تو خوبی
و من بدی نبودم.
تو را شناختم تو را یافتم تو را
دریافتم و همه‌ی حرف‌هایم
شعر شد سبک شد.
عقده‌هایم شعر شد
سنگینی‌ها همه شعر شد
بدی شعر شد سنگ شعر شد
علف شعر شد دشمنی شعر شد
همه شعرها خوبی شد
آسمان نغمه‌اش را خواند مرغ نغمه‌اش را خواند آب نغمه‌اش را خواند
به تو گفتم: «گنجشکِ کوچکِ من باش
تا در بهارِ تو من درختی پُرشکوفه شوم.»
و برف آب شد شکوفه رقصید آفتاب درآمد.
من به خوبی‌ها نگاه کردم و عوض شدم
من به خوبی‌ها نگاه کردم
چرا که تو خوبی و این همه‌ی اقرارهاست، بزرگ‌ترین اقرارهاست.ـــ
من به اقرارهایم نگاه کردم
سالِ بد رفت و من زنده شدم
تو لبخند زدی و من برخاستم.
دلم می‌خواهد خوب باشم
دلم می‌خواهد تو باشم و برای همین راست می‌گویم
نگاه کن:
با من بمان!

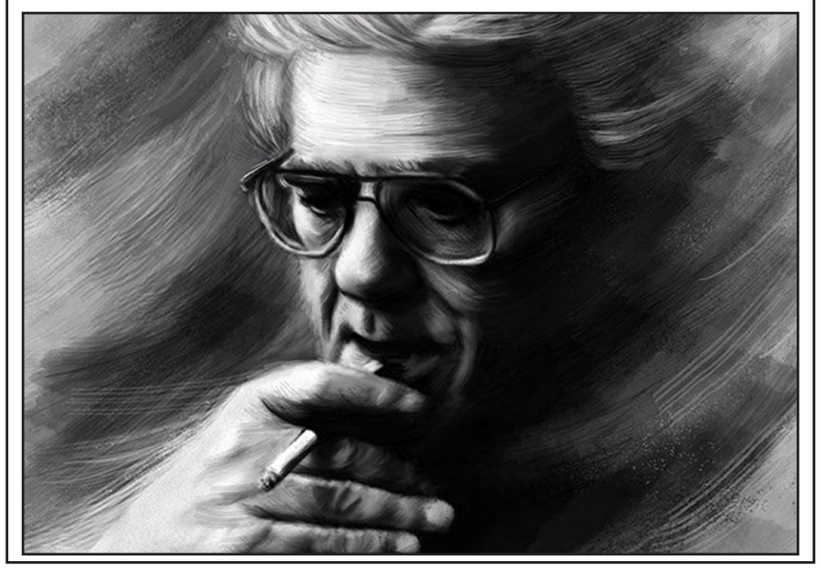

سخنی با مدیر عامل سازمان منطقه آزاد کیش؛

نیروهای جدید به جزیره نیاورید لطفا!

ابراهیم ارزانی

اقتصاد کیش–این یادداشت پیش از این در زمان آغاز کار محمدرضا لواسانی بعنوان مدیر عامل سازمان منطقه آزاد کیش در این روزنامه منتشر گردید . با توجه به درخواست های مکرر شهروندان در پی ایجاد نگرانی هایی در خصوص رویکرد مجدد سازمان منطقه آزاد کیش به آوردن نیروهای جدید از خارج از جزیره مجددا با تغییراتی اندک خطاب به جناب مهندس کشاورز منتشر می شود :

جزیره کیش یک بار دیگربه رسم و سنت همه سالهای پیش در فصل تغییرات و نقل و انتقالات مدیریتی قرار گرفته است طبیعی است با انتصاب مدیر عامل جدید تا چند صباحی باید شاهد عزل و نصب های زیادی در سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت های زیر مجموعه باشیم ، سیاست ها و برنامه های جدید عنوان و اعلام می شود و انتظار هم این است تغییراتی درروش ها و شیوه ها ی کاری دیده شود. این یادداشت پیش از این در زمان آغاز کار محمد رضا لواسانی بعنوان مدیر عامل سازمان منطقه آزاد کیش در این روزنامه منتشر گردید . با توجه به درخواست های مکرر شهروندان در پی ایجاد نگرانی هایی در خصوص رویکرد مجدد سازمان منطقه آزاد کیش به آوردن نیروهای جدید از خارج از جزیره مجددا با تغییراتی اندک خطاب به جناب مهندس کشاورز منتشر می شود :

جزیره کیش یک بار دیگربه رسم و سنت همه سالهای پیش در فصل تغییرات و نقل و انتقالات مدیریتی قرار گرفته است . طبیعی است با انتصاب مدیر عامل جدید تا چند صباحی باید شاهد عزل و نصب های زیادی در سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت های زیر مجموعه باشیم ، سیاست ها و برنامه های جدید عنوان و اعلام می شود و انتظار هم این است تغییراتی درروش ها و شیوه ها ی کاری دیده شود.طبیعی است مدیر عامل جدید تفکر و دیدگاهی جدید نسبت به کیش و مناطق آزاد داشته باشد و برای عملیاتی شدن تفکراتش نیازدارد دست به تغییراتی در مدیریت ها بزند وبخواهد نیروها و مجموعه سازمانی اش را با خود همراه سازد . گرچه هر دو مدیر عامل فعلی و قبلی (سرپرست) منصوب دبیر فعلی شورایعالی مناطق آزاد و برخوردار از یک تفکر و دیدگاه هستند انتظار می رود کمترین تغییرات را در بدنه سازمان و شرکت های تابعه شاهد باشیم.در این جا از مدیر عامل جدید سازمان منطقه آزاد کیش فقط یک تقاضا داریم : نیروهای جدید به جزیره نیاورید!

موضوعی که متاسفانه در ادوار مختلف بطور گسترده شاهد آن بوده ایم و در هر دوره پس از هر تغییر و تحول مدیریتی در منطقه آزاد کیش شاهد گسیل نیروهای بسیار زیادی در رده ها و سطوح مختلف به سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت های تابعه بوده ایم .موضوعی که موجب شده است امروزه سازمان منطقه آزاد کیش بنابر آمار اعلام شده بیش از ۳۵۰۰ نفر پرسنل داشته باشد و این سازمان را به مجموعه ای بسیار پر حجم از نظر نیروی انسانی تبدیل کرده است و آنگونه که کارشناسان می گویند این موضوع خود از عوامل اصلی ایجاد بروکراسی شدید اداری و کندی امور گردیده است. و جالب تر اینکه خود مدیران ارشد و حوزه های مختلف هر یک اذعان دارند قادر هستند با ۲۰ تا ۲۵ درصد این نیروها امور حوزه خود را بخوبی پیش ببرند !و بقیه نیروها مازاد هستند!

جناب مدیر عامل

باور بفرمایید جزیره کیش ، سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت های تابعه به اندازه کافی از نیروهای کاردان ، کاربلد ، دلسوز و متعهد برخوردار است که بتوانند برنامه های جزیره را همگام با دیدگاه و سیاست هایی بر اساس منافع کشور و سیاست های روز آن پیش ببرند. باور بفرمایید همین نیروها بخوبی از پس اداره امور بخش های مختلف سازمان و جزیره برمی آیند و می توانند بخوبی جزیره را به کمک مدیریت عالی شما اداره کنند .

آقای مدیر عامل

متاسفانه سالهاست رسم بسیار بدی در جزیره افتاده است هر بار با تغییر مدیریتی شاهد گسیل عده زیادی از نیروهای جدید به کیش هستیم . نیروهایی که اصولا خیلی زمان می برد تا با نحوه و روش کار در مناطق آزاد و کیش آشنا شوند و این خود زمان و فرصت های زیادی را از جزیره می گیرد و روند کارها را کند می کند. در حالی که خود جزیره نیروهای کاردان کاربلد و خوب کم ندارد چه در بدنه سازمان و شرکت ها چه در جامعه و در متن مردم کیش . نکته جالب تر هم اینکه معمولا ملاک و مبنای ارزیابی نیروها هم عملکرد منفی یا مثبت آنها نبوده و نیست . فقط شناسایی می شوند کدام نیروها با گروه قبلی بوده اند و کدام نبوده اند . گروه اولی کلا کات! و گروه دوم برای پررنگ شدن حضورشان بدون توجه به توانایی تخصصی آنها برنامه ریزی می شود!و اصولا به تخصص و کاردانی افراد در آن حوزه و مسئولیت توجهی نمی شود.

جناب مدیر عامل

بیایید یک بار انقلابی و مکتبی عمل کنید و جلو این کار را بگیرید و به نیروهای توانمند و دلسوز محلی کیش فرصت کار کردن و خدمت بدهید .

لطفا مدیر و کارشناس و کارمند به بدنه سازمان اضافه نکنید ،در بدنه سازمان نیروها و کارشناسان بسیار دلسوز و قدری هستند که متاسفانه تاکنون توانایی های آنها مورد غفلت قرار گرفته است ، آنها را شناسایی کنید وبه آنها فرصت بدهید ، آنها با شناخت از امور سازمان و جزیره و با اشراف بر مقررات و شرایط کار در مناطق آزاد قطعا بهتر می توانند به شما کمک کنند .دستور دهید همه کارهای جزیره در حوزه های مختلف به اهالی جزیره واگذارشود .تا در آمد کیش و بودجه کیش از همه نظر در خود کیش هزینه شود و به توسعه مضاعف کیش کمک شود. برای کارهای پیمانکاری از پیمانکاران فعال در جزیره که در شرایط سخت و آسان اینجا بوده اند و کار کرده اند استفاده شود، از محصولات و تولیدات جزیره برای تامین نیازهای جزیره استفاده شود . منکر نیاز به ورود تکنولوژی جدید و کارشناسان خبره جدید به جزیره و ارائه طرح های نوین نیستیم ولی جوانان و تحصیل کردگان کیش را هم به کار بگیرید و از شوق و توانایی آنها برای کمک به ساختن شهرشان کمک بگیرید . درست است کیش یک سرزمین ملی است و متعلق به همه ایرانیان ،ولی قبول داشته باشید انصاف و حق این است که اولویت همه امورش برای ساکنان کیش و فرزندان آنها باشد. در همین انتصابات و عزل و نصب های اخیر توجه فرمایید چه سهمی برای نیروهای بومی و محلی قائل شده اید؟ و چند درصد از آنها بومی و چند درصد از خارج از جزیره بوده اند؟ پس سهم ساکنان و تحصیلکردگان شهر چه می شود اگر قرار است همه مدیران ارشد و میانی ازخارج از جزیره بیایند؟!

جناب آقای کشاورز

مگر شخص ریاست محترم جمهور به کرات بر استفاده از نیروهای بومی محلی در مناطق آزاد تاکید نداشته اند؟ تاکنون چقدر به این توصیه و دستور ریاست محترم جمهور در مجموعه تحت مدیریت حضرتعالی اهمیت داده شده است ؟از شما انتظار داریم با جلوگیری ازورود نیروهای جدید به کیش و استفاده از پتانسیل نیروهای انسانی خود جزیره در تحقق وعده رئیس جمهور به مردم کمک کنید . نیروهایی که از کیش بکار گرفته شوند ،حداقل هزینه را برای سازمان و برای مردم کیش خواهند داشت . در بسیاری از هزینه ها مانند مسکن ، رنت خودرو ، بلیط هواپیما و... و.. صرفه جویی خواهد شد ضمن اینکه اینها با شناختی که از جامعه و شهر خود دارند قطعا درد آشنا ترند و زودتر می توانند مشکلات را شناسایی و رفع کنند وتحت رهبری شما در جهت خدمت به مردم حرکت کنند و قطعا بخدمت گرفتن آنها در راستای منافع کشور و منطقه خواهد بود

جناب آقای مدیر عامل

البته که نمی شود همه مدیران را یکسان دانست و یکسان نگاه کرد . لطفا قبل از هرگونه عزل و نصب کارنامه و پرونده مدیران موجود را ارزیابی و بررسی فرمایید . به میزان گرایش آنها به این و آن توجهی نکنید! لطفا مبنا تخصص و میزان کاردانی و کارآیی آنها باشد . در این میان هستند مدیرانی که با جان و دل برای مردم و جزیره کار کرده اند ، آثار کار و زحمات شان در جای جای جزیره مشهود است آنها شایسته تقدیرند و انشالله مردم نیز از نعمت خدمتگزاری آنها محروم نگردند و البته هستند کسانی که فقط از مواهب و امتیازات مدیریتی کیش بهره مند بوده اند بدون اینکه کوچکترین آورده ای برای مردم و جزیره کیش داشته باشند فقط ویژگی شان این است که در هر دوره به جایی وصلند.....! و یا بجای کار و خدمت کردن همواره در جستجویی کسانی هستند که خود را به آنها وصل کنند!

آقای مهندس کشاورز

این رشته های اتصال را قیچی کنید! و فرصت را در اختیار کسانی بگذارید که فقط به مردم وصل باشند و عشق و لذت شان در این جزیره کار و کار و کار کردن و ساختن باشد. کار کردن برای توسعه و پیشرفت کیش و کمک به سرافرازی ایران اسلامی

آقای مدیر عامل

چند سالی است در جزیره رسم بدی افتاده است . هر مدیری می آید تصور می کند حتما باید یک قشون نیرو با خود بیاورد والا کارش لنگ می ماند !. تصور می کنند نیروهای موجود در جزیره توان همراهی برای پیشبرد امور را ندارند !

باور بفرمایید اینگونه نیست ! سرمایه های انسانی جزیره درحوزه های مختلف در گردشگری در صنعت در امور فرهنگی و اجتماعی درامور توسعه و خدمات شهری در تولید در تجارت و سرمایه گذاری و صنعت ساختمان بسیار توانمند و پرقدرت و زبده هستند . در کیش نیروهای قدر و توانمندی داریم که با شناخت و اشرافی که بر امور جزیره دارند می توانند کیش را بسیار پرقدرت به جلو ببرند .امید است شما این بار این سنت و رسم بد را بشکنید و از ظرفیت نیروهای داخلی کیش بهره بگیرید. باور داشته باشید همه آثار ارزشمندی که امروز موجب آبرو و اعتبار جزیره است و خیلی ها با افتخار در کنار آن عکس یادگاری می گیرند و پز می دهند محصول اندیشه و ذهن خلاق و ایده پردازی و زحمت و تلاش همین نیروهای داخلی کیش است . اجازه دهید کیش سازان در فرآیند برنامه ریزیها و سیاست گذاریهای کیش شما را همراهی کنند و مشارکت داشته باشند. قطعا این موضوع به شما در راه رسیدن به اهداف عالیه ای که در نظر دارید کمک خواهد کرد و مسیر را برایتان هموارتر خواهد کرد.

آقای کشاورز

باور داشته باشید نخبگان و پیشکسوتان سازندگی کیش می توانند بهترین مشاوران شما برای توسعه و سازندگی کیش باشند آنهارا از یاد نبرید ، آنها که سال های سال خون دل خورده اند و کیش امروز ثمره کار و فکر و تلاش آنهاست، مطمعن باشید می توانند بهترین، صادق ترین ، مخلص ترین و بی درد سرترین مشاوران شما در این راه باشند که مسیر توسعه و پیشرفت را هموار کنند. لطفا از ظرفیت آنها خوب استفاده کنید. امیدواریم با درایت و مدیریت شما در استفاده از ظرفیت های بومی و محلی کیش در همه حوزه ها بویژه در حوزه مدیریتی و نیروی انسانی شاهد رشد و شکوفایی بیش از پیش این خاکپاره گرانقدر ایران اسلامی باشیم.